

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



*The Pluckers*  
*Les Anges qui arrachent*

نازعات  
النازعات

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

Au nom de Dieu le Très Miséricordieux le Tout Miséricordieux

# وَالنَّزِعَاتِ غَرَقًا



سوگند به فرشتگانی که برای اجرای دستورهای الهی از جا بر می خیزند.

By those (angels) that pluck out (wicked souls) vehemently

Par celles-là qui tirent en plongeant!

# وَالنَّشِطَاتِ نَشْطًا



سوگند به فرشتگان پر تلاشی که برای اجرای ماموریت های الهی حرکت می کنند.

and those that draw out (blessed souls) gently

Et par celles-là qui recueillent avec douceur !

# وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا



سوگند به فرشتگانی که با شتاب دستورهای خداوند را انجام می دهند.

by those that swim serenely

Et par celles-là qui voguent librement,

# فَالسَّيِّقَاتِ سَبِقًا



و سوگند به فرشتگان پیشتازی که برای اجرای دستورهای الهی، بر یکدیگر پیشی می گیرند.

and those that outstrip suddenly

puis s'élancent à toute vitesse,

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا



سوگند به چنین فرشتگانی که به تدبیر و اداره کارهای دنیایی می پردازند، که آن روز سخت فرا خواهد رسید.

by those that direct an affair!

et règlent les affaires!

يَوْمَ تَرَجِفُ الرَّاجِفَةُ



در آن روز زلزله ای بسیار وحشتناک همه چیز را به لرزه در خواهد آورد.

Upon the day when the first blast shivers

Le jour où [la terre] tremblera [au premier son du clairon]

# تَبِعَهَا الرَّادِفَةُ



و پس از آن زلزله ای دیگر روی خواهد داد و مرده ها زنده شده و از گورهایشان بیرون خواهند آمد.

and the second blast follows it

immédiatement suivi du deuxième.



قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ



در چنان روزی دل های بعضی از مردم پریشان و مضطرب می شود.

hearts upon that day shall be a throb

Ce jour-là, il y aura des cœurs qui seront agités d'effroi,

أَبْصَرُهَا خَشِيعَةً



و چشم های آن ها از ترس و خجالت به زیر خواهد افتاد.

and their eyes shall be humbled

et leurs regards se baisseront.

يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ



آن ها در این دنیا از یکدیگر می پرسند: «آیا پس از مرگ دوباره ما را زنده می کنند؟

They shall say, What, are we being restored as we were before?

Ils disent: «Quoi! Serons-nous ramenés à notre vie première, nous qui certes serons dans la fosse ?

# أَيُّ ذَا كُنَّا عِظْمًا مَخْرَةً



راستی، پس از آن که به استخوان های پوسیده تبدیل شدیم، ممکن است به زندگی بازگردیم؟»

What, when we are bones old and wasted?

quand nous serons ossements pourris?)

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ

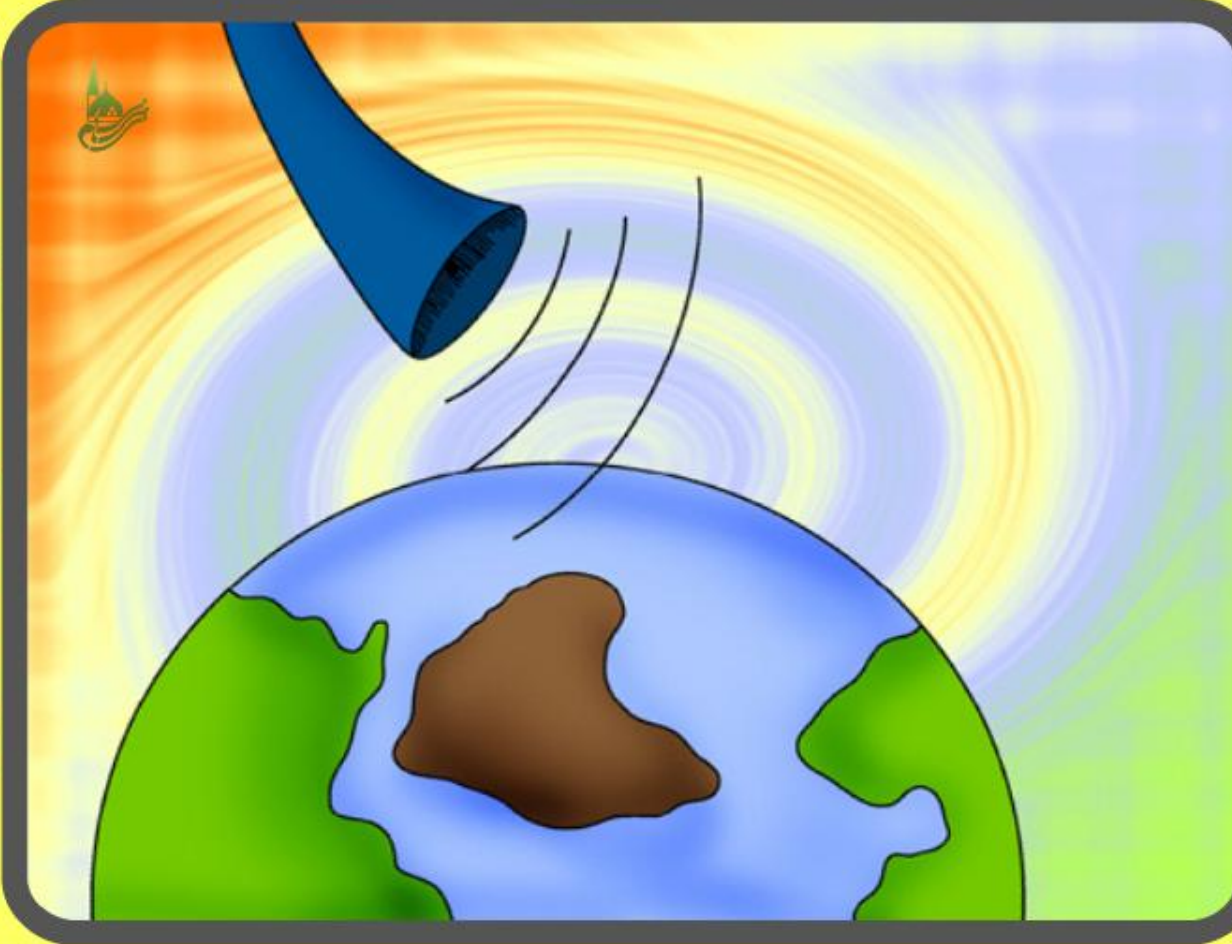


و به هم می گویند: « اگر چنین بشود، زنده شدنِ ما بازگشتی زیان آور است! »

They shall say, That then were a losing return!

Ils disent: « ce sera alors un retour à perte! »

فَأَنمَاهِي زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ



در واقع، زنده شدنِ مردگان با یک صدای ترسناک آسمانی آغاز می شود.

But it shall be only a single scare

Il n'y aura qu'une sommation,

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ



پس از آن صدا، ناگهان همه مردگان سر از خاک بر می دارند و در صحنه قیامت حاضر می شوند.

and behold, they are awakened

et voilà qu'ils seront sur la terre (ressuscités).

# هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى



ای پیامبر! آیا سرگذشت موسی را شنیده ای؟

Hast thou received the story of Moses?

Le récit de Moïse t'est-il parvenu?



إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِأَلْوَادِ الْمَقْدِسِ طُوًى



خداوند در سرزمین پاک و مقدس «طوی» به موسی گفت:

When his Lord called to him in the holy valley, Towa

Quand son Seigneur l'appela, dans Towà, la vallée sanctifiée:

أَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى



« به سوی فرعون برو. زیرا فرعون سرکش و طغیان کرده است.»

Go to Pharaoh; he has waxed insolent

«Va vers Pharaon. Vraiment, il s'est rebellé!

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ



و به او بگو آیا دلت می خواهد از گناه و پلیدی پاک شوی

And say, "Hast thou the will to purify thyself

Puis dis-lui: «Voudrais-tu te purifier?»

وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ



و من راه خدا را به تو نشان بدهم تا بترسی و از سرکشی دست برداری؟

and that I should guide thee to thy Lord, then thou shalt fear?"

et que je te guide vers ton Seigneur afin que tu Le craignes? ›

# فَارِسَهُ الْآيَةِ الْكُبْرَى



پس از آن موسی به سوی فرعون رفت و معجزه ای بزرگ یعنی اژدها شدن عصا را نشانش داد.

So he showed him the great sign

Puis, il lui fit voir le très grand miracle.

# فَكَذَّبَ وَعَصَى



اما فرعون قبول نکرد و معجزه موسی و نشانه های خدا را دروغ شمرد، و از رفتن به راه خدا سر پیچید.

but he cried lies, and rebelled

Mais il (Pharaon) le qualifia de mensonge et désobéit;

ثم أدبر يسعي



علاوه بر آن، از موسی روی برگرداند و به تلاش برای مبارزه با موسی پرداخت.

then he turned away hastily

Ensuite, il tourna le dos, s'en alla précipitamment,

# فَحْشَرَ فَنَادَى



و در این راه همه مردم را جمع کرد

then he mastered (men) and proclaimed

rassembla [les gens] et leur fit une proclamation,



فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى



و به آن ها گفت: « من خدای بزرگ شما هستم! »

and he said, I am your Lord, the most high!

et dit: «C'est moi votre Seigneur, le Très-Haut ».

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى



این بود که خداوند او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرد.

So God seized him with the chastisement of the Last World and the first (drowning)

Alors Allah le saisit de la punition exemplaire de l'au-delà et de celle d'ici-bas.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى



بی گمان در این سرگذشت، پند و عبرت زیادی، برای کسانی که از بد شدنِ پایانِ کار خویش می ترسند، وجود دارد.

Surely in that is a lesson for him who fears!

Il y a certes là un sujet de réflexion pour celui qui craint.

ءَأَنفَمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بِنفِهَا



آيا آفريدن شما و دوباره زنده كردن مردگان سخت تر است يا به وجود آوردن آسمان،

What, are you stronger in constitution or the heaven He built?

Etes-vous plus durs à créer? Ou le ciel, qu'il a pourtant construit?

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَهَا



که خداوند آن را با سقفی بالا بلند و نظمی دقیق بر پا داشته است؟

He lifted up its vault, and levelled it

Il a élevé bien haut sa voûte, puis l'a parfaitement ordonné;

وَأَغْطِشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا

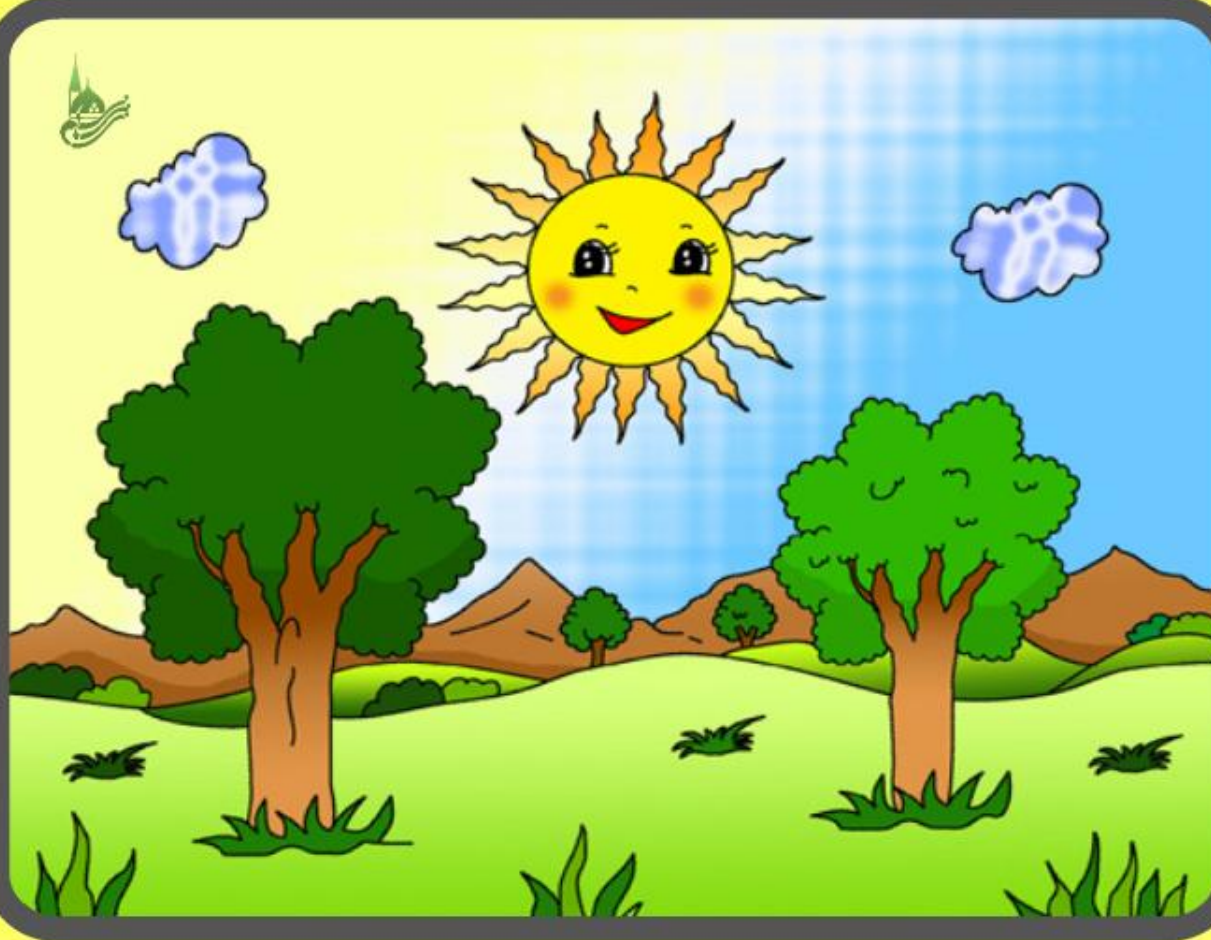


و خدا، شب این آسمان را تیره، و روزش را روشن کرده است.

and darkened its night, and brought forth its forenoon

Il en a assombri la nuit et fait luire le jour qui monte.

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا



پس از آن، زمین را به صورتی گسترده ساخته است.

and the earth - after that He spread it out

Et quant à la terre, après cela, Il l'a étendue:

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءًهَا وَمَرَعًا



و آب و گیاهان خوردنی و چراگاه از آن پدید آورده است.

there from brought forth its waters and its pastures

Il a fait sortir d'elle son eau et son pâturage,



# وَالْجِبَالَ أَرْسَبَهَا

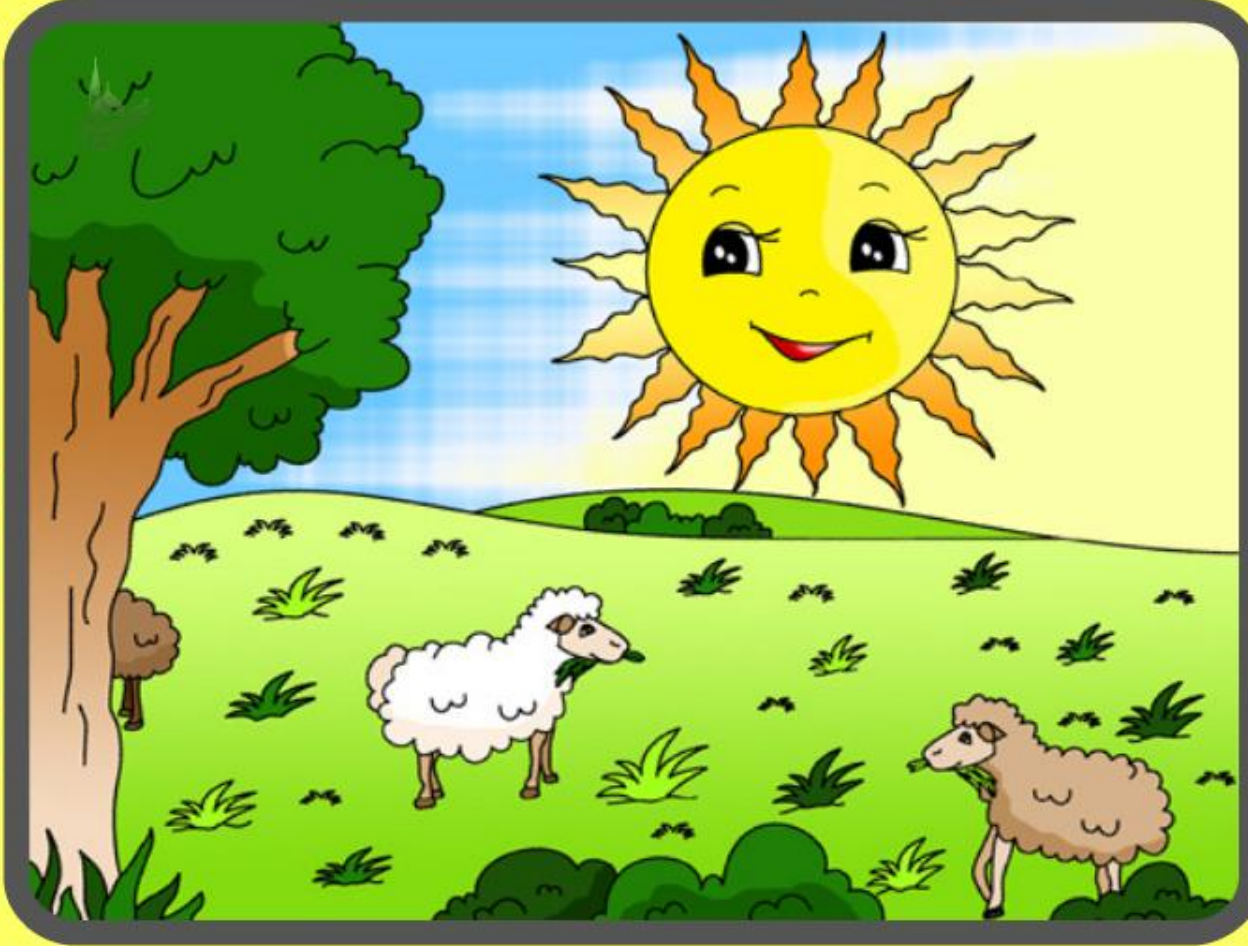


و بر روی آن، کوه های پابرجا و استواری ایجاد کرده است.

and the mountain He set firm

et quant aux montagnes, Il les a ancrées,

مِنْعَالِكُمْ وَلَا نَعْمِيكُمْ



تا شما انسان ها و چهارپایانتان از این همه نعمت بهره مند شوید.

an enjoyment for you and your flocks

pour votre jouissance, vous et vos bestiaux.

# فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ



پس، هنگامی که آن حادثه بزرگ، یعنی روز قیامت رخ دهد،

Then, when the Great Catastrophe comes

Puis quand viendra le grand cataclysme,

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى



انسان در آن روز، کارهایی را که در دنیا کرده است به یاد می آورد

upon the day when man shall remember what he has striven

le jour où l'homme se rappellera à quoi il s'est efforcé,

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ



و جهنم در برابر چشمان همه آشکار می شود.

and Hell is advanced for whoever sees

Et où l'Enfer sera pleinement visible à celui qui regardera...

# فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ



در آن روز، مردم دو گروه خواهند شد: گروهی که سرکشی کرده اند

then as for him who was insolent

Quant à celui qui sera rebellé

# وَأَثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا



و رفتن به دنبال لذت های این دنیا را ترجیح داده اند.

and preferred the present life

et aura préféré la vie présente,

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ



جهنّم، جایگاه این گروه است.

surely Hell shall be the refuge

alors, l'Enfer sera son refuge.



وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

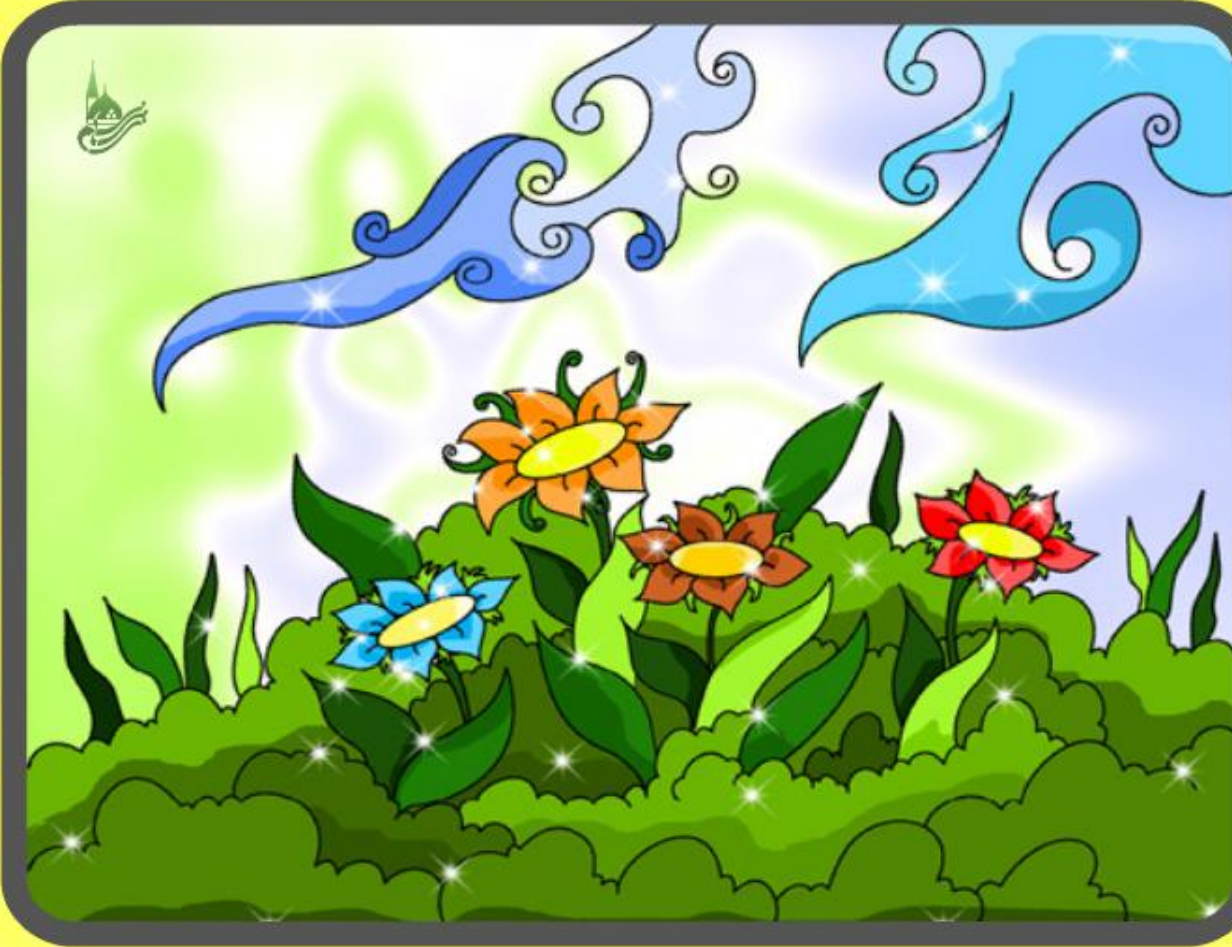


و گروهی دیگر که به فکر روزی که باید در برابر خداوند خویش حساب پس بدهند،  
بوده اند، و جلو هوس ها و خواسته های دل خود را گرفته اند.

But as for him who feared the Station of his Lord and forbade the soul its  
caprice

Et pour celui qui aura redouté de comparaître devant son Seigneur, et préservé  
son âme de la passion,

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ



بهشت، جایگاه این گروه است.

surely Paradise shall be the refuge

le Paradis sera alors son refuge.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا



ای پیامبر! از تو می پرسند که روز قیامت چه وقت خواهد آمد؟

They will question thee concerning the Hour, when it shall berth

Ils t'interrogent au sujet de l'Heure: «Quand va-t-elle jeter l'ancre?»

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِنَهَا



تو از زمانِ فرا رسیدنِ آن روز، چه خبر داری؟

What art thou about, to mention it?

Quelle [science] en as-tu pour le leur dire?

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا



زیرا فقط خدا هنگام فرا رسیدن روز قیامت را می داند.

Unto thy Lord is the final end of it

Son terme n'est connu que de ton Seigneur.

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّنْ يَخْشَاهَا



کار و مسئولیت تو، فقط هشدار دادن به کسانی است که دلوایس روز قیامت اند.

Thou art only the warner of him who fears it

Tu n'es que l'avertisseur de celui qui la redoute.

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا



مردم وقتی روز قیامت را می بینند، گمان می کنند که فاصله مرگ تا قیامت یک شب، یا یک روز، بیشتر، نبوده است.

It shall be as if, on the day they see it, they have but tarried for an evening, or its forenoon

Le jour où ils la verront, il leur semblera n'avoir demeuré qu'un soir ou un matin.

SOURCE : Bani Hashem  
Publications